

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده مدیریت و اقتصاد

بخش حسابداری

پایان نامه تحصیلی برای دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته حسابداری

بررسی تاثیر اجتناب از پرداخت مالیات و ترکیب هیات مدیره بر سیاست
بدهی شرکت

مؤلف :

محمد حبیب زاده زرنندی

استاد راهنما:

دکتر احمد خدای پور

استاد مشاور:

دکتر مهدی بهار مقدم

بهمن ماه ۱۳۹۳



این پایان نامه به عنوان یکی از شرایط درجه کارشناسی ارشد به

بخش حسابداری

دانشکده مدیریت و اقتصاد

دانشگاه شهید باهنر کرمان

تسلیم شده است و هیچگونه مدرکی به عنوان فراغت از تحصیل دوره مزبور شناخته نمی شود.

دانشجو: محمد حبیب زاده زرنندی

استاد راهنما: دکتر احمد خدای پور

استاد مشاور: دکتر مهدی بهارمقدم

دور ۱: دکتر امید پورحیدری

دور ۲: دکتر زین العابدین صادقی

نمایندگی تحصیلات تکمیلی دانشکده: دکتر علی ملاحسینی

معاون آموزشی و پژوهشی دانشکده: دکتر امید پورحیدری

حق چاپ محفوظ و مخصوص به دانشگاه شهید باهنر کرمان است.

با عالمی خضوع و فروتنی؛

تقدیم به

پدرم که کوهی استوار و حامی من در طول زندگی بوده‌ام هست

مادرم؛ سنگ صبوری که الفبای زندگی را به من آموخت و نازنینی که
سراسر زندگی اش، درس ایثار و فداکاری است؛ دریای بی کران فداکاری
و عشق که وجودم برایش همه زنج بود و وجودش برایم همه مهر

برادرم که در کنار هم آموختیم و به امید هم به آینده چشم می‌دوزیم؛ قلبم
لبریز از عشق به اوست و خوشبختی اش منتهای آرزویم.

تقدیر و تشکر

شکر شایان نثار ایزد منان که توفیق را رفیق راهم ساخت تا این پایان نامه را به پایان برسانم.

جا دارد که از زحمات استاد ارجمند جناب آقای دکتر خدای پور که وقت گرانبهای خود را در راهنمایی این پژوهش در اختیار بنده قراردادند، صمیمانه سپاسگزاری نمایم. همچنین راهنمایی‌های استاد گرانقدر جناب آقای دکتر بهار مقدم که زحمت مشاوره این پژوهش را برعهده داشتند را هرگز فراموش نکرده و برای ایشان آرزوی سلامتی و سربلندی دارم.

همچنین از زحمات اساتید محترم جناب آقای دکتر پور حیدری و جناب آقای دکتر صادقی که داوری این پژوهش را به عهده داشتند و در دوران تحصیل درسهای زیادی از ایشان آموختم، سپاسگزارم.

چکیده

مالیات به عنوان یکی از منابع اصلی درآمدی دولت هاست. از طرفی پرداخت مالیات یک هزینه بوده و باعث کاهش سود شرکت می گردد. هدف اصلی مدیران شرکت ها افزایش ارزش شرکت است. افزایش سود می تواند منجر به افزایش ارزش شرکت گردد. بنابراین شرکت ها برای کاهش هزینه و افزایش سود اقدام به اجتناب از پرداخت مالیات می نمایند. اجتناب مالیاتی، پرداخت های صورت گرفته به مقامات مالیاتی را کاهش می دهد. هدف اصلی این پژوهش شناسایی وجود ارتباط بین اجتناب از پرداخت مالیات و میزان بدهی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. و اینکه آیا نسبت اعضای غیرموظف هیات مدیره تأثیری بر این رابطه می گذارد؟

بازه ی زمانی پژوهش شامل سال های ۱۳۸۳- ۱۳۹۲ است. برای آزمون فرضیه های پژوهش از مدل رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) با استفاده از داده های پانل، استفاده شده است.

نتایج حاصل از تحقیق نشان می دهد، یک رابطه منفی بین اجتناب از پرداخت مالیات و میزان بدهی وجود دارد. این رابطه منفی نشان می دهد که منابع حاصله از اجتناب از پرداخت مالیات می تواند به عنوان جانشین استفاده از بدهی، باشد. علاوه بر این، نتایج حاکی از این است که نسبت اعضای غیرموظف هیات مدیره با بدهی شرکت ارتباطی نداشته و این نسبت بر ارتباط بین اجتناب از پرداخت مالیات و میزان بدهی تأثیر معناداری ندارد. این نتیجه می تواند نشان دهنده ی عملکرد ضعیف اعضای غیرموظف هیات مدیره به عنوان یکی از ابزارهای حاکمیت شرکتی، باشد.

واژگان کلیدی: اجتناب از پرداخت مالیات، سیاست بدهی، اعضا غیرموظف، حاکمیت شرکتی

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول: کلیات تحقیق

۲	۱-۱- مقدمه
۳	۲-۱- تشریح و بیان موضوع
۶	۳-۱- اهمیت و ضرورت انجام تحقیق
۶	۴-۱- نتایج مورد انتظار و اهداف اساسی پژوهش
۷	۵-۱- استفاده کنندگان از نتایج پایان نامه
۷	۶-۱- فرضیه های تحقیق
۸	۷-۱- قلمرو تحقیق
۸	۸-۱- روش تحقیق
۸	۹-۱- جامعه و نمونه آماری
۹	۱۰-۱- مدل های پژوهش
۱۰	۱۱-۱- تعریف واژه های عملیاتی پژوهش
۱۱	۱۲-۱- چارچوب پژوهش
۱۲	۱۳-۱- خلاصه فصل

فصل دوم: مبانی نظری

۱۳	۱-۲- مقدمه
۱۴	۲-۲- مالیات
۱۵	۳-۲- انواع مالیات
۱۵	۱-۳-۲- مالیات های مستقیم
۱۵	۲-۳-۲- مالیات های غیر مستقیم
۱۶	۴-۲- مالیات بر درآمد شرکت ها
۱۷	۵-۲- مفهوم اجتناب از پرداخت مالیات
۱۹	۶-۲- تاثیر اجتناب مالیاتی بر سیاست بدهی

۷-۲	مقایسه اجتناب مالیاتی با فرار مالیاتی	۲۰
۸-۲	معیار سنجش اجتناب از پرداخت مالیات	۲۱
۹-۲	دلایل وجود اختلاف بین سود مشمول مالیات و سود حسابداری	۲۱
۱۰-۲	مغایرت میان قانون مالیاتهای مستقیم و استانداردهای حسابداری	۲۴
۱۱-۲	بدهی	۲۴
۱-۱۱-۲	سیاست بدهی	۲۵
۲-۱۱-۲	مزایای مالیاتی بدهی	۲۶
۱۲-۲	هزینه های ورشکستگی یا بحران های مالی	۲۷
۱۳-۲	هزینه ی نمایندگی	۲۷
۱۴-۲	حاکمیت شرکتی	۲۹
۱۵-۲	اعضای غیرموظف هیات مدیره	۳۰
۱۶-۲	پیشینه ی پژوهش	۳۱
۱-۱۶-۲	تحقیقات خارجی	۳۱
۲-۱۶-۲	تحقیقات داخلی	۳۴
۱۷-۲	خلاصه فصل	۳۶
فصل سوم: روش تحقیق		
۱-۳	مقدمه	۳۹
۲-۳	روش پژوهش	۳۹
۳-۳	جامعه آماری	۴۰
۴-۳	نمونه آماری	۴۰
۵-۳	قلمرو تحقیق	۴۱
۶-۳	متغیرهای پژوهش	۴۱
۱-۶-۳	متغیر وابسته	۴۱
۲-۶-۳	متغیرهای مستقل	۴۱

صفحه	عنوان
۴۳.....	۳-۷- روشهای آماری پژوهش
۴۳.....	۳-۸- روش آزمون فرضیه ها
۴۴.....	۳-۹- خلاصه فصل سوم

فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده‌ها

۴۶.....	۴-۱- مقدمه
۴۶.....	۴-۲- آمار توصیفی تحقیق
۴۷.....	۴-۳- آزمون های آماری تحقیق
۴۷.....	۴-۳-۱- آزمون چاو
۴۸.....	۴-۳-۲- آزمون هاسمن
۴۹.....	۴-۴- نتایج فرضیه اول تحقیق
۵۰.....	۴-۵- نتایج فرضیه دوم و سوم تحقیق
۵۱.....	۴-۶- خلاصه فصل

فصل پنجم: نتیجه گیری و پیشنهادات

۵۳.....	۵-۱- مقدمه
۵۳.....	۵-۲- خلاصه و نتیجه گیری
۵۵.....	۵-۳- محدودیت های تحقیق
۵۶.....	۵-۵- توصیه هایی برای تحقیقات آتی
۵۶.....	۵-۶- خلاصه فصل
۵۸.....	منابع

فصل اول

کلیات تحقیق

اینکه شرکت‌ها منابع تأمین مالی خود را چگونه بین بدهی و حقوق صاحبان سهام تقسیم کنند و یا به بیان دیگر، ساختار سرمایه خود را چگونه ترتیب دهند، موضوع مطالعات زیادی را در طول سالهای گذشته به خود اختصاص داده است. یکی از اهداف مهم مدیریت مالی حداکثر نمودن ثروت سهامداران است. به این منظور، هدف مدیران مالی یافتن راه‌های تأمین منابع مالی برای رسیدن به این هدف است. بنابراین، شناسایی اولویت روش‌های تأمین مالی و عوامل تأثیرگذار بر آنها و انتخاب روش‌های مناسب در راستای به حداکثر رسانیدن ثروت سهامداران از اهمیت زیادی برخوردار است.

فعالیت‌ها و کارهای تئوریک زیادی، انتخاب بین تأمین مالی از طریق بدهی و یا سهام سرمایه توسط شرکت‌هایی که حد مطلوب نسبت بدهی را با توجه به اصل هزینه و منفعت انتخاب می‌کنند، توصیف کرده است. به طور سنتی صرفه جویی مالیاتی ناشی از کسر هزینه بهره از سود به عنوان اولین مزیت تأمین مالی از طریق اعتبارگیری مدل‌سازی و ارائه شده است (کراس و لیتزبرگر^۱، ۱۹۷۳). مزایای دیگر بدهی شامل متعهد شدن مدیریت شرکت به مؤثر و با کفایت عمل کردن و همچنین سرگرم کردن و مشغول کردن اعتباردهندگان به مراقبت و نظارت بر شرکت است (جنسن^۲، ۱۹۷۶).

از طرفی نیز هزینه بدهی نشان دهنده فشار وضعف مالی، نماینده بدهی (اسکات^۳، ۱۹۷۶)، و تضاد نمایندگی بین مدیران و سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان، یا بین گروه‌های مختلف سرمایه‌گذاران است. به عبارتی هرچند که تأمین مالی از طریق بدهی به علت صرفه جویی مالیاتی و نرخ پایین تر آن در مقایسه با بازده مورد انتظار سهامداران، راه حل مطلوب تری برای تأمین مالی محسوب می‌شود، اما آنچه برای اعتباردهندگان در خصوص اعطای وام و اعتبار اهمیت دارد، توان پرداخت اصل و بهره وام و اعتبارات پرداختی توسط وام‌گیرنده می‌باشد.

در واقع به علت تضادهای نمایندگی بین اعتباردهندگان و مدیران، اعتباردهندگان برای حفظ ثروت و منافع خود هنگام اعطای وام و اعتبار، با وام‌گیرندگان قرارداد منعقد کرده و شروط و محدودیت‌هایی را در قرارداد می‌گنجانند که تخطی از این شروط، هزینه‌هایی را برای

1 Kraus & Litzberger
2 Jensen
3 ScottJ

اعتبارگیرندگان در پی دارد (دیچو و اسکینر^۱، ۲۰۰۲). در نهایت می‌توان گفت که وجود ساختار سرمایه‌ی بهینه، بیانگر وجود نوعی توازن میان مزایای مالیاتی حاصل از بدهی‌ها و هزینه‌های آن است.

وجود دلایلی مانند وجود امتیاز ویژه در رفتار مالیاتی با فعالیت‌هایی خاص در مقابل اصول کلی وضع مالیات، کاستی‌هایی در قوانین و مقررات مالیاتی و یا وجود نرخ جداگانه برای برخی از درآمدهای شرکت مانند درآمد حاصل از صادرات کالاهای صنعتی و محصولات کشاورزی که معاف از مالیات هستند، ممکن است برای مؤدیان فرصت استفاده از راهکارهای قانونی جهت کاهش و یا عدم انجام تعهد مالیاتی آنان را فراهم آورد. در اینصورت مؤدی ممکن است انواع گوناگونی از برنامه‌های مالیاتی را جهت کاهش هزینه مالیات تحمیل شده بر شرکت به اجرا در آورد و از طریق راه‌های قانونی اقدام به اجتناب از پرداخت مالیات نماید.

تحقیقات صورت گرفته در برخی کشورها حاکی از آن است که بین صرفه‌جویی حاصل از عدم پرداخت مالیات و سیاست بدهی شرکت رابطه وجود دارد و نسبت اعضای غیرموظف هیات مدیره می‌تواند بر این رابطه تاثیر داشته باشد.

با توجه به موارد ذکر شده، پژوهش حاضر به دنبال بررسی و تبیین ارتباط بین اجتناب از پرداخت مالیات و سیاست بدهی شرکت می‌باشد و همچنین تاثیر نسبت اعضای غیرموظف هیات مدیره بر رابطه ذکر شده را مورد بررسی قرار می‌دهد.

۲-۱- تشریح و بیان موضوع

در این پژوهش ارتباط بین اجتناب مالیاتی و سیاست بدهی شرکت و همچنین تاثیر نسبت اعضای غیرموظف هیات مدیره بر این رابطه، در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار می‌گیرد.

سوال از آنچه که سیاست‌های بدهی یا ساختار سرمایه شرکت را تعیین می‌کند، توجه تحقیقات قابل توجهی را در طول سال‌ها متوجه خود کرده است. برای مثال مودیلیانی و میلر^۲ (۱۹۵۸) نشان می‌دهند که در یک بازار سرمایه‌ی بدون حساسیت^۳، ماکسیم ارزش شرکت، بین بدهی و تامین مالی شرکت بی تفاوت است یا به عبارتی ارزش شرکت تحت تاثیر ساختار سرمایه‌ی آن قرار

1 Dichev & Skinner

2 Modigliani & Miller

3 frictionless capital market

ندارد. اما مایرز^۱ (۱۹۴۱) اشاره می کند که سیاست های بدهی شرکت توسط هزینه ها و منافع تامین مالی از طریق بدهی شامل: مزایای مالیاتی قرض گرفتن، هزینه های ورشکستگی یا بحران های مالی و هزینه ی بدهی، تعیین می شوند.

این نظر که تصمیمات ساختار سرمایه توسط هزینه های نمایندگی تحت تاثیر قرار می گیرد، نیز در بین ادبیات مالی شرکت ها اعتبار زیادی کسب کرده است. از این رو مالیات ها و هزینه های نمایندگی به عنوان فاکتورهای مهم در تصمیمات ساختار سرمایه ی شرکت در نظر گرفته می شوند، در نتیجه، اجتناب از پرداخت مالیات شرکتها و مکانیسم های حاکمیت شرکتی به احتمال زیاد از سیاست های بدهی شرکت متاثر شده اند.

دی آنجلو و ماسولیس^۲ (۱۹۸۰) نظریه ای دادند مبنی بر اینکه سپرهای مالیاتی غیر بدهی از قبیل کسورات استهلاک و اعتبار مالیاتی سرمایه گذاری، به عنوان یک جایگزین برای کسورات بهره ی بدهی عمل می کنند، به طوری که تقاضا برای بدهی را کاهش می دهند. ادعای خاص آنها این است که هر شرکت یک مقدار مطلوبی از مجموع کسورت مالیاتی را دارا می باشد. از این رو وقتی که یک شرکت از سپرهای مالیاتی غیر بدهی بیشتری استفاده می کند، آن شرکت سطوح بدهی کمتری خواهد داشت (که این همان اثر جایگزینی بدهی می باشد). تحقیقات اولیه بر روی عوامل موثر بر انتخاب ساختار سرمایه، نتایج متناقضی از اثر جایگزینی بدهی ارائه می کند (تیتمن و وسلز^۳، ۱۹۸۸)، اگر چه یافته های مطالعات بعدی پیشنهاد می کنند که سپرهای مالیاتی غیر بدهی می توانند به عنوان جایگزین هایی برای کسورات بدهی به کار گرفته شوند. آخرین تحقیقات (گراهام و توکر^۴، ۲۰۰۶) یک نمونه از شرکت های با اجتناب از پرداخت مالیات و بدون اجتناب از پرداخت مالیات را در نظر گرفتند و مشاهده کردند که فعالیت های مربوط به پناهگاه مالیاتی (کسورات سپر غیر بدهی) می توانند یک جایگزین برای سپرهای مالیاتی بدهی باشند (کسورات بهره). آنها نتیجه گرفتند که شرکت های با اجتناب از پرداخت مالیات، به طور مطلوب از بدهی کمتری نسبت به همتایان خود که اجتناب از پرداخت مالیات ندارند استفاده می کنند.

با توجه به مطالب ذکر شده می توان سوال اول را به صورت زیر مطرح کرد:

۱. آیا بین سیاست بدهی شرکت و اجتناب از پرداخت مالیات در ایران رابطه ای وجود دارد؟

1 Myers

2 DeAngelo & Masulis

3 Titman & Wessels

4 Graham & Tucker

علاوه بر این حدس زده می‌شود که بدهی‌های شرکت نقش مهمی را در مدیریت نظارتی و به تبع آن در کاهش هزینه‌های نمایندگی بازی می‌کنند (گروسمن و هارت^۱، ۱۹۸۲ و جن سن^۲، ۱۹۸۶). فرند و لانگ^۳ (۱۹۸۸) و هارفورد و دیگران^۴ (۲۰۰۸) این نظریه را با بررسی اثر متقابل بین بدهی و دیگر مکانیسم‌های نظارتی مدیریت (از قبیل هیأت مدیره و موسسات سرمایه‌گذاری) گسترش دادند و به طور کلی دریافتند که بین آنها یک ارتباط وجود دارد. به هر حال ماهیت آن ارتباط روشن نیست اما با چند مطالعه میتوان دریافت که بدهی دارای یک ارتباط مکمل (مثبت) با دیگر مکانیسم‌های نظارتی می‌باشد (برگر و دیگران^۵، ۱۹۹۷). از این رو سوال دوم به شکل زیر مطرح می‌گردد:

۲. آیا بین نسبت اعضا غیرموظف هیأت مدیره و سیاست بدهی شرکت رابطه معناداری وجود دارد؟

مبانی نظری و شواهد تجربی حاکی از آن است که به طور خاص می‌توان تاثیر مدیران خارجی را بر اثر جایگزینی بدهی بررسی کرد چرا که علاوه بر نقش نظارتی آنها، مدیران خارجی همچنین یک نقش مشورتی قابل توجهی نیز ایفا می‌کنند و بنابراین به احتمال زیاد در موقعیت بهتری برای اتخاذ تصمیمات برتر در باره‌ی ترکیب بهینه‌ی بدهی شرکت و ساختار سرمایه خواهند بود (کولس و دیگران^۶، ۲۰۰۸؛ آرمسترانگ^۷، ۲۰۱۰). در واقع تحقیقات قبلی نشان می‌دهند که مدیران خارجی، مشاوره‌ی تخصصی با ارزشی را به مدیران شرکت در باره‌ی تصمیم‌گیری‌های کلیدی شرکت، ارائه می‌دهند.

مدیران خارجی دارای تخصص و مهارت همچنین می‌توانند به هیأت مدیره کمک کنند، چرا که آنها به طور معمول متخصصان با تجربه‌ای (مثلاً، مدیران عامل و مدیران اجرایی معتبر، کارآفرینان موفق و دانشگاهیان) با تخصص گسترده در زمینه‌های مختلف هستند (مثلاً در استراتژی‌های کسب و کار، امور مالی و عملیاتی) (فیچ^۸، ۲۰۰۵). بنابراین از یک هیأت مدیره با نمایندگان بیشتر از مدیران خارجی، انتظار می‌رود تصمیماتی اتخاذ کند که باعث ایجاد یک ساختار سرمایه مطلوب و در نهایت منجر به حداکثر شدن ثروت سهامداران گردد. در واقع به همان اندازه که اجتناب از پرداخت مالیات شدت می‌یابد، شرکت‌های با نسبت بزرگتری از مدیران خارجی در هیئت مدیره،

¹ Grossman & Hart

² Jensen

³ Friend & Lang

⁴ Harford et al

⁵ Berger et al

⁶ Coles et al

⁷ Armstrong et al

⁸ Fich

باید بهتر قادر به درک مبادلات بین هزینه ها و منافع بدهی و سپرده های مالیاتی غیر بدهی باشند. حال با توجه به مطالب مطروحه، سوال سوم به صورت زیر عنوان می گردد:

۳. آیا در شرکت هایی که نسبت اعضا غیرموظف هیأت مدیره بالاتر است، رابطه ی معنادار بین اجتناب از پرداخت مالیات و سیاست بدهی شرکت افزایش می یابد؟

۱-۳- اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

تامین مالی از طریق بدهی به علت صرفه جویی مالیاتی و نرخ پایین تر آن در مقایسه با بازده مورد انتظار سهامداران، راه حل مطلوب تری برای تامین مالی محسوب می شود. اما شرایط قرارداد قرضه ممکن است محدودیت های شدیدی بر شرکت تحمیل کند. از طرفی وجود مالیات بر درآمد شرکت باعث کاهش عایدات آتی شرکت می گردد. بنابراین یکی از اقداماتی که می تواند در جهت حداکثر ساختن ارزش شرکت و ثروت سهامداران انجام پذیرد، استفاده از راهکارهایی است که از طریق آنها مالیات پرداختی شرکت کاهش یابد. حال اگر بتوان هزینه مالیات شرکت را کاهش داد و برای تامین مالی از منابع داخلی شرکت به جای بدهی استفاده کرد، عملکرد شرکت بهبود یافته و ریسک کاهش می یابد؛ از این رو بررسی رابطه ای اجتناب از پرداخت مالیات و سیاست بدهی حائز اهمیت می باشد. همچنین با توجه به اینکه اعضا غیرموظف می توانند نقش نظارتی و مشورتی قابل توجهی در شرکت ایفا کنند، بنابراین به احتمال زیاد در موقعیت بهتری برای اتخاذ تصمیمات برتر در باره ی ترکیب بهینه ی بدهی شرکت و ساختار سرمایه خواهند بود؛ از این جهت بررسی تاثیر نسبت اعضای غیرموظف هیات مدیره بر سیاست بدهی شرکت موضوعیت می یابد.

۱-۴- نتایج مورد انتظار و اهداف اساسی پژوهش

با توجه به مطالعات پیشین انتظار می رود که بین اجتناب از پرداخت مالیات و سیاست های بدهی شرکت رابطه ی منفی برقرار باشد. همچنین با توجه به نقش بدهی های شرکت در مدیریت نظارتی و رابطه ی بین بدهی و دیگر مکانیسم های حاکمیت شرکتی، انتظار می رود که اعضای غیرموظف به عنوان یکی از مکانیسم های حاکمیت شرکتی دارای ارتباطی معنادار با سیاست بدهی شرکت باشد.

هدف اصلی پژوهش حاضر، معین کردن وجود و یا عدم وجود روابط فوق الذکر در ایران، و در صورت وجود رابطه، تعیین نوع آن می باشد.

۱-۵- استفاده کنندگان از نتایج پایان نامه

انتخاب ساختار سرمایه مطلوب و شیوه‌های مختلف تامین مالی از اهداف اصلی هر مدیر مالی است. در همین راستا مؤسسات و بنگاه‌های اقتصادی برای تأمین سرمایه مورد نیاز خود و یا عملیاتی کردن پروژه‌هایشان وابستگی شدیدی به بازارهای مالی دارند. از سوی دیگر، حجم بدهی‌های شرکت با ریسک و عملکرد شرکت رابطه داشته و چه بسا عدم ایفای به موقع تعهدات ناشی از بدهی باعث تاثیر منفی بر روی عملکرد و حتی منجر به ورشکستگی گردد. از این رو مدیران مالی می‌توانند با استفاده از نتایج این پژوهش ریسک مالی شرکت را کاهش داده و منجر به بهبود عملکرد آن گردند. از طرف دیگر اختلاف بین مالیات طبق گزارش حسابرسی مالیاتی و درآمد مشمول مالیات تشخیصی توسط اداره امور مالیاتی، باعث تعویق و طولانی شدن فرایند وصول مالیات و نیز اتلاف وقت اداره امور مالیاتی برای حل موارد اختلاف گردیده و در نهایت باعث افزایش هزینه‌های وصول مالیات می‌گردد. از این رو قانون‌گذاران می‌توانند با استفاده از نتایج این پژوهش قوانین لازم در جهت حداقل سازی این اختلاف را وضع کرده و به اجرا رسانند. بنابراین سازمان امور مالیاتی و دیگر مراکز مرتبط با مقوله‌ی مالیات را می‌توان در حیطه‌ی استفاده کنندگان از نتایج این پژوهش به شمار آورد.

۱-۶- فرضیه های تحقیق

۱. بین اجتناب از پرداخت مالیات و سیاست بدهی شرکت رابطه معناداری وجود دارد.
۲. بین نسبت اعضا غیرموظف هیأت مدیره و سیاست بدهی شرکت رابطه معناداری وجود دارد.
۳. در شرکتهائی که نسبت اعضا غیرموظف هیأت مدیره بالاتر است، رابطه‌ی معنادار بین اجتناب از پرداخت مالیات و سیاست بدهی شرکت افزایش می‌یابد.

۷-۱- قلمرو تحقیق

قلمرو موضوعی: این پژوهش به بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی و سیاست بدهی و تاثیر نسبت اعضا غیرموظف هیات مدیره بر این رابطه می‌پردازد.

قلمرو زمانی: دوره زمانی تحقیق ۱۰ ساله و از سال ۸۳ تا ۹۲ می‌باشد.

قلمرو مکانی: قلمرو مکانی تحقیق، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد.

۸-۱- روش تحقیق

این تحقیق از جهت همبستگی و روش‌شناسی از نوع شبه تجربی و پس‌رویدادی و در حوزه تحقیقات اثباتی حسابداری است که با اطلاعات واقعی صورت می‌گیرد. این تحقیق از لحاظ ماهیت و اهداف از نوع کاربردی است. اطلاعات واقعی نیز از گزارش‌های مالی (صورت‌های مالی و یاداشتهای همراه) استخراج شده است. برای گروه بندی شرکت‌ها در صنایع مختلف، طبقه بندی بورس در نظر گرفته شده است. اطلاعات مربوط به ادبیات تحقیق و مباحث نظری از منابع کتابخانه‌ای و پایگاه‌های علمی و مقالات خارجی و داخلی جمع‌آوری شده است. داده‌های مورد نیاز برای انجام این تحقیق عموماً با استفاده از نرم افزار تدبیر پرداز، پایگاه اطلاع‌رسانی سازمان بورس اوراق بهادار تهران، صورت‌های مالی شرکت‌ها و گزارش‌های منتشر شده توسط بورس بدست آمده است.

جهت آزمون فرضیه‌های تحقیق، پس از انتخاب نمونه و جمع‌آوری اطلاعات مربوطه، این اطلاعات با نرم افزار صفحه گسترده‌ی اکسل پردازش شده و سپس با استفاده از نرم افزار ای ویوز، فرضیه‌ها مورد آزمون قرار گرفته است. در تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز از مدل‌های رگرسیونی خطی چند متغیره استفاده گردیده است.

۹-۱- جامعه و نمونه آماری

در انجام این پژوهش از اطلاعات سال-شرکت استفاده شده است. جامعه آماری شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که از سال ۸۳ تا ۹۲ در بورس اوراق بهادار تهران بوده‌اند. شرکت‌هایی انتخاب می‌شوند که دارای ویژگیهای زیر باشد:

۱. داده‌های مورد نظر این پژوهش برای آنها در دسترس باشد.
۲. جزو شرکتهای بیمه و واسطه‌گری مالی نباشد.
۳. پایان سال مالی آنها ۲۹ اسفند ماه باشد.

در نهایت پس از حذف شرکت‌های فاقد شرایط مذکور، تعداد ۵۳ شرکت باقی مانده است و با توجه به ماهیت پانلی داده‌ها، تعداد مشاهدات این پژوهش ۵۳۰ سال-شرکت می‌باشد.

۱-۱۰-۱- مدل های پژوهش

در این پژوهش از مدل رگرسیون خطی چند متغیره به شرح زیر استفاده شده است:
مدل شماره ۱:

$$DEBT_{it} = \beta_0 + \beta_1 TAG_{it} + \beta_2 OI_{it} + \beta_3 MD_{it} + \beta_4 LnA_{it} + \beta_5 FA_{it} + \beta_6 DIV_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در آن:

DEBT: معیار اندازه‌گیری بدهی شرکت (متغیر وابسته) است که مطابق با روش بایون^۱ (۲۰۰۸) توسط دو متغیر بدهی دفتری (BDEBT) و ارزش بازار بدهی (MDEBT) قابل اندازه‌گیری است. BDEBT: ارزش دفتری بدهی که عبارت است از مجموع بدهی‌ها (کوتاه مدت و بلند مدت) که توسط مجموع دارایی‌ها همگن شده است. MDEBT: ارزش بازار بدهی‌ها که عبارت است از مجموع بدهی‌ها که توسط مجموع دارایی‌ها و ارزش روز شرکت همگن شده است. در این پژوهش از ارزش دفتری بدهی (BDEBT) استفاده شده است.

TAG: معیار سنجش اجتناب از پرداخت مالیات می‌باشد که از تفاوت بین سود قبل از مالیات شرکت و سود مشمول مالیات بدست می‌آید که برای همگن شدن بر مجموع دارایی‌ها تقسیم گردیده است. در پژوهش‌های صورت گرفته پیرامون اجتناب از پرداخت مالیات از معیارهای متفاوتی برای سنجش اجتناب از پرداخت مالیات استفاده شده است. در این تحقیق به پیروی از کار مانزون و پلسکو^۲ (۲۰۰۲) از تفاوت بین سود حسابداری (سود قبل از مالیات) و سود مشمول مالیات به عنوان معیار سنجش اجتناب از پرداخت مالیات و از اطلاعات صورت سود و زیان برای تخمین سود مشمول مالیات استفاده شده است. سود مشمول مالیات از طریق تقسیم هزینه مالیات بر نرخ مالیات قانونی محاسبه شده است.

¹ Byoun

² Manzon & Plesko

$$\text{سود مشمول مالیات} = \frac{\text{هزینه مالیات}}{\text{نرخ قانونی مالیات}}$$

OI : سود عملیاتی که اولین متغیر کنترلی بوده و توسط مجموع دارایی ها همگن شده است.

MB : نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری دارایی ها

LnA : لگاریتم مجموع دارایی ها یا همان اندازه شرکت

FA : مجموع دارایی های ثابت که توسط مجموع دارایی ها همگن شده است.

DIV : سود نقدی سهام عادی که توسط مجموع دارایی ها همگن شده است.

مدل شماره ۲ :

$$\text{DEBT}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{TAG}_{it} + \beta_2 \text{OUTDIR}_{it} + \beta_3 \text{OUTDIR} * \text{TAG}_{it} + \beta_4 \text{OI}_{it} + \beta_5 \text{MB}_{it} \\ + \beta_6 \text{LnA}_{it} + \beta_7 \text{Fa}_{it} + \beta_8 \text{DIV}_{it} + \varepsilon_{it}$$

OUTDIR : نسبت اعضا غیرموظف هیأت مدیره

۱۱-۱- تعریف واژه‌های عملیاتی پژوهش

اجتناب از پرداخت مالیات: اجتناب از پرداخت مالیات به عنوان استفاده قانونی از نظام مالیاتی برای منافع شخصی، برای کاهش میزان مالیات قابل پرداخت به وسیله ابزارهایی که در خود قانون است، تعریف می‌شود (پاسترناک و ریکو، ۲۰۰۸).

¹ Pasternak & Rico

سیاست بدهی: روش های تامین مالی برای تداوم فعالیت و اجرای پروژه های سودآور در فرایند رشد شرکت بسیار موثرند و موجب ادامه ی حیات شرکت ها در بازارهای رقابتی می شوند. تامین مالی به روش های مختلف کوتاه مدت و بلندمدت صورت می گیرد و شرکت ها می توانند منابع مالی خود را از داخل شرکت (برای نمونه از محل سود انباشته) یا خارج از شرکت (از طریق انتشار سهام یا بدهی) تامین کنند. هدف اصلی شرکت ها افزایش ارزش شرکت و بیشینه سازی ثروت سهامداران است و بدین منظور از روش هایی استفاده می کنند که آن ها را در رسیدن به این مهم یاری کند (انصاری و همکاران، ۱۳۹۲). به طور کلی استراتژی شرکت در نحوه تامین مالی را سیاست بدهی گویند.

اعضای غیرموظف: مدیران غیرموظف مستقل یعنی مدیرانی که سمت اجرایی در شرکت ندارند و عملکرد نظارتی آنها به عنوان افرادی مستقل، موجب کاهش تضاد منافع میان سهامداران و مدیران شرکت ها می شود.

حاکمیت شرکتی: نظام حاکمیت شرکتی مجموعه دستورالعملها، ساختارها، فرآیندها و هنجارهای فرهنگی است که شرکت ها با رعایت آنها به اهداف شفافیت در فرآیندهای کاری، پاسخگویی در مقابل ذینفعان و رعایت حقوق ایشان دست خواهند یافت. مکانیسم های حاکمیت شرکتی باعث کم شدن مشکلات نمایندگی در شرکت ها می شوند. کیفیت این مکانیسم ها امری نسبی بوده و از شرکتی به شرکت دیگر متفاوت است (چارلز پیوت^۱، ۲۰۰۷).

۱-۱۲- چارچوب پژوهش

در فصل دوم به ارائه مبانی نظری، ادبیات موضوع و مطالعات داخلی و خارجی صورت گرفته در حوزه مالیات و اجتناب مالیاتی و رابطه آنها با بدهی پرداخته خواهد شد. در فصل سوم، روش انجام تحقیق تشریح شده و جامعه آماری، نمونه آماری و روش نمونه گیری استفاده شده ارائه خواهد شد. همچنین در این فصل فرضیه های تحقیق بیان شده و متغیرهای تحقیق و شیوه محاسبه آنها آورده خواهد شد. روش گردآوری اطلاعات و روش های آماری مورد استفاده به طور کاملی تشریح خواهند شد. در فصل چهارم مدل های تحقیق مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهند گرفت و فرضیه های تحقیق آزمون خواهند شد. در پایان، در فصل پنجم، نتایج حاصل از آزمون فرضیه های و تجزیه و تحلیل های انجام شده بیان گردیده و توصیه هایی برای تحقیقات آتی ارائه خواهد شد.

1 Charles piot